

۱۴ بانوی شاعر و نویسنده، کتاب‌های خود را به بانوسیمین دخت‌وحیدی تقدیم کردند. به گزارش مهر، نفیسه سادات موسوی، عارفه دهقانی، ساراعرفانی، مریم کرباسی، نغمه نظامی، فاطمه‌تانی‌راد، افسانه غیاثوند، اعظم سعادت‌مند، سودابه امینی، انسیه‌موسویان، عالیهمهرابی و...از جمله کسانی بودند که آثار خود را به مناسبت برگزاری یادداشت‌بانوی شعر انقلاب به‌وی تقدیم کرده‌اند. سی و هفتمین شب‌شاعر سازمان اوج در یادداشت‌بانوی شعر انقلاب، سیمین دخت‌وحیدی امروز در نخست‌ان سازمان اوج برگزار می‌شود.

سیمین دخت‌وحیدی

سرهنگی: انسانی‌ترین گونه ادبیات جنگ، ادبیات بازداشتگاهی است

سیمین دخت‌وحیدی در نشست

یک پژوهشگر عرصه دفاع مقدس گفت: من معتقدم ملا صالح، ابوترابی «آن بیست و سه نفر» است. به گزارش خبرگزاری فارس، نودو چهارمین «عصرانه ادبی فارس» عصر روز یک شنبه ویژه تجلیل از «ملاصالح قاری» و روضیه غبیشی، نویسنده کتاب «ملا صالح» با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ دفاع مقدس برگزار شد.

■ **«ملا صالح»، ابوترابی «آن بیست و سه نفر» بود**

گوید به خواب بودی واین کاروان گذشت ظالم اگر به تیغ ستم، خون خلق ریخت از خون بی گناه، مگر می توان گذشت؟ «مشفق» بهار زندگی ات گر صفانداشت شکر خدا که همراه باد خزان گذشت

■ **عصر عمر من ابونهار** باید و نیست بزار عاطفه را برگ بار باید و نیست به جز دو دیده اختر فشان که من دارم نشان ز اختر شب زنده دار باید و نیست غله های غزل در کمند بی هنری است ذی به داغ غزل داندگار باید و نیست چراغ صاعقه، فانوس آفتاب شکست شهاب بارقه در شام تار باید و نیست نفیر زاغ و زغن در چمن نباید و هست صغیر مرغ غزل خوان، هزار باید و نیست کیوتران سحر را نشان چه می جویی؟ که روزنی به شب انتظار باید و نیست مرا به غربت آینه ها چه می خوانی؟ که دل چو آینه بی غبار باید و نیست بهر روز گار، که عمر بمتابه گشت و هنوز فراغ خاطری از روز گار باید و نیست

این نویسنده دفاع مقدس گفت: قیمت تمام شده جنگ با خواندن این کتاب برای ما روشن می‌شود. تازمانی که با دستور زبان تبلیغ حرف بزنیم، این قیمت را درک نمی‌کنیم. دستور زبان تبلیغی برای عصر جنگ است اما دستور زبان تعلقی برای عصر بعد از جنگ است. ولی نظام تبلیغی را می‌ارتباط با جنگ، هنوز در دستور زبان عصر جنگ به سر می‌برد و این گونه است که پس از ۳۰ سال از پایان جنگ، یاد ملا صالح را

و من ماندم وقصه سه سر گذشت وتوفان عمری که از سر گذشت و دردی که جز مرگ در مان نداشت و مرگی که هر لحظه بر در گذشت وقایع که تصویر اورنگ باخت وبی رنگ بر لوح باور گذشت و روزی که در زورق التهاب به دریایی از خون و خنجر گذشت و مدایی از ابر رحمت به دور تب آلوده از هول تندر گذشت و پروانه ای در شبستان شمع به خاکستر از بال واز پر گذشت واشکی که در دامنم موج زد واهی که از اوج برتر گذشت

عنان گریه سر داده است با من باینگ رود این جا مرا بنگدار ای دل فارغ از بود نبود این جا تب تابی است در این شط بی آرام می سوزد تنور سینه اش در شعله شیرنگ دود این جا مگر آن پیر چنگی قصه های غربت اورا فرا چنگ آورده با آمو زن هر سرود این جا در این سیر و سفر در خویش می گرد که می بیند ز یاد فتنه روی لاله ولادن کبود این جا دل با بستر رود است و زخم از تیشه خارا روان در نا کجا، اما گسسته تار و پود این جا «شب تاریک ویم موج و گردابی چنین هایل» سبکبار آن ساحل را قرا ر دل ریود اینجا من از خون سخن رود غزل ار کرده ام رنگین که با هر جوششی سر چشمه ای روشن کشود این جا رهایم کن، هر های دل، که با این ابر دلنتگی غبار آلوده شد آینه گفت و شنود این جا

مردم دیده به هر سو نگر اند هنوز چشم در راه تو صاحب نظر اند هنوز لاله ها، شعله کش از سینه داغند به دشت در غمت، همد آتش جگر اند هنوز از سر ابرده غیبت، خبری باز فرست که خبر یافتگان، بی خبر اند هنوز ره روان، در سفر بادیه حیران تواند باتو آن عهد که بستند، بر آنند هنوز در ها در طلب طلعت رویت با مهر هم عنان تاخته چون نوسفر اند هنوز طاق از دست شد ای مردم دیده ادمی پرده بگشای که مرد نگر اند هنوز

مردم دیده به هر سو نگر اند هنوز چشم در راه تو صاحب نظر اند هنوز لاله ها، شعله کش از سینه داغند به دشت در غمت، همد آتش جگر اند هنوز از سر ابرده غیبت، خبری باز فرست که خبر یافتگان، بی خبر اند هنوز ره روان، در سفر بادیه حیران تواند باتو آن عهد که بستند، بر آنند هنوز در ها در طلب طلعت رویت با مهر هم عنان تاخته چون نوسفر اند هنوز طاق از دست شد ای مردم دیده ادمی پرده بگشای که مرد نگر اند هنوز

■ **منتقد دوم، علی رضا جانشاهی** محور اصلی صحبت من مربوط به رویکرد ابوالفضل حسینی به زبان است که با رویکردهای رایج تفاوت دارد. این یک بحث جذاب و خرمندانه برای شعر است. او همانند نیما یوشیج، پیشنهاد های زبانی دارد؛ هر چند ممکن است رویکرد او با رویکرد نیما یکسان نباشد. مثلاً او حروف اضافه را به معنای دیگری به کار می‌برد یا «را» معمولی را حذف می‌کند. حذف فعل این «را» گاهی حال ترانه‌های بومی را برای ما ایجاد می‌کند. من معمولاً در این اتفاقات زبانی دلیل‌هایی می‌بینم.

در واقع ایدئولوژی شاعر دربارهٔ شعر را در این پاره از کتاب می‌توان مشاهده کرد:

فکر در فکر فرو رفته در هیئت یک کلاغ نشسته بر کنگرهٔ معنا

البته با دیده شدن واضح این اتفاقات زبانی در همه جا موافق نیستم. به نظر من باید اول آن زیبایی اتفاق بیفتد و



ستاره باران اوج در پاسداشت بانوی شعر انقلاب

سرهنگی: انسانی‌ترین گونه ادبیات جنگ، ادبیات بازداشتگاهی است

سیمین دخت‌وحیدی در نشست



■ **«ملا صالح»، شیرین‌تر از عسل بود** اکبر خلیلی در بخش دیگری از این مراسم، با اشاره به کتاب ملا صالح گفت: باین کتاب آنجا که شخصیت ملا صالح گریه کرد، گریه کردم. آن جا که خندید، خندیدم و آن جا که دلش گرفت، دلم گرفت. این کتاب شیرین‌تر از عسل بوده به‌خصوص این که نویسنده قدم به قدم با این مرد بود و حق‌الدالت را به جا آورده بود. هر چند نتوانستم کتاب را تمام کنم. وی افزود: تعجب می‌کنم چنین مردی وجود دارد که نمدار بسیاری از ارزش‌هاست. این کتاب را پازلی می‌دانم که کتاب من زندهام بخش دوم آن است. آن چه من را بر ای نوشتن مطلبی درباره این کتاب ترغیب کرد، روح صادقی است که در این اثر دمیده شده است. نویسنده کتاب «تر که‌های درخت آلبالو» گفت: نویسنده توانای این کتاب کلمه به کلمه و نکته به نکته امانت را رعایت کرده است.

در این مراسم گفت: نوجوان بودیم که از مدرسه فرامی‌کردیم و به جبهه‌ها می‌رفتیم. آخرین باری که به این شیوه به جبهه رفتم با شهید کاظمی روبه‌رو شدم. او من را انصبت کرد که شما باید درس بخوانید و این رشادت‌ها را به دیگران برسانید و امروز این توفیق در انتشارات شهید کاظمی نصیب ما شد که وصیت شهید کاظمی را اجرا کنیم. وی افزود: من فکر نمی‌کردم این کتاب با اقبال گسترده روبه‌رو شود؛ اما به امید آن‌را چاپ کردم که این قهرمانان در کتاب‌های درسی وارد شوند تا دیگر شهید فهمیده‌ها از کتاب‌های درسی حذف نشوند.

گزارش

-
-
-

گزارشی از جلسهٔ شصتیم نقد و پژوهش شعر در حوزه هنری مشهد

شعر منقرض شده است!

گروه ادبیات وهنر– شصتیمین جلسه نقد و پژوهش شعر در حوزه هنری مشهد با توضیحات ابوالفضل حسینی شاعر «هیژه شعر» دربارهٔ اثر قبلی اش «در ابتدای افتادن یک لیوان» و خواندن شعری از کتاب تازه «هیژه شعر» آغاز شد و در ادامه تعدادی از منتقدان دیدگاه خود را درباره کتاب بیان کردند.

■ **منتقد سوم، خسرو نوربخش** من بنا بر تجربه‌های مشترکی که با آقای ابوالفضل حسینی داشته‌ام، برخلاف بعضی دوستان، از این که مدرنیسم نگرستن به یک اقلیم از دریچهٔ جهان است، در این حالت یکی از چیزهایی که در شعر جلوه دارد، نوستالژی هاست و باعث عقیم شدن مدرنیسم می‌شود. ما در دوره‌ای هستیم که شعر منقرض شده و تمام آن زیبایی‌هایی که در این دریچه وجود داشته، به وجود شاعر منتقل شده است. شاعر قیلاز بر اساس شعر تعریف می‌شد.

اگر شعر فرم بود، شاعر یعنی فرمالیست. اگر شعر اثر موزون و مقفی بود، شاعر کسی بود که وزن و قافیه بداند. اما الان شعر وجود ندارد و این شاعر است که ملاک است. امروز علم زبان‌شناسی می‌گوید که زبان در دراز مدت به عنوان یک عامل ارتباطی نیست و این جاست که تعریف دیگری شکل می‌گیرد یعنی زبان‌پذیری.

■ **منتقد چهارم، مهدی آخرتی** گفتمان رایج ادبی در روزگار ما، این گفتمان نیست.

گفتمان این کتاب متفاوت است. کسی که با این شیوه دگرگون کار می‌کند، باید پیه این قضیه را به تن خود بمالد. به نظر شخص بنده، منانت در تجددمهم است، این اتفاقا ت زبانی دلیل‌هایی می‌بینم.

در واقع ایدئولوژی شاعر دربارهٔ شعر را در این پاره از کتاب می‌توان مشاهده کرد: فکر در فکر فرو رفته در هیئت یک کلاغ نشسته بر کنگرهٔ معنا

البته با دیده شدن واضح این اتفاقات زبانی در همه جا موافق نیستم. به نظر من باید اول آن زیبایی اتفاق بیفتد و

ادبیات وهنر

سیمین دخت‌وحیدی

ستاره باران اوج در پاسداشت بانوی شعر انقلاب

شهبازیان در بیستمین شب‌آواز ایرانی:

آواز ایرانی یکی از بی‌نظیر ترین انواع موسیقی در جهان است

رهبر ارکستر ملی موسیقی ایران گفت: موسیقی ایرانی تنها تحریر نیست؛ بلکه دارای ادوات بسیاری است که قابلیت‌های فراوانی به آواز می‌دهد و باید از جانب هنرمندان این عرصه، به آن توجه شود.

به گزارش خبرگزاری فارس، بیستمین شب‌آواز ایرانی با اجرای پنج گروه موسیقایی و آوازی و با حضور استادان به نام موسیقی کشور از جمله فریدون شهبازیان، مظفر شفیع‌ی و علی اصغر شاه‌زیدی برگزار شد. شهبازیان در این برنامه با تانکید بر تلفظ صحیح واژه‌های شعر انتخابی، گفت: زبان فارسی یکی از سخت‌ترین زبان‌ها برای موسیقی و آواز است. همچنین آواز ایرانی یکی از سخت‌ترین، دشوارترین و بی‌نظیرترین انواع موسیقی در جهان است. در نتیجه باید واژه‌ها در دست بیان و تلفظ شود. در غیر این صورت نمی‌تواند حق مطلب را به خوبی ادا کند و کار ناقص و مخاطب را دلزده می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به استفاده به موقع از تحریر در آواز گفت: موسیقی ایرانی تنها تحریر نیست؛ بلکه دارای ادوات بسیاری است که قابلیت‌های فراوانی به آواز می‌دهد و باید از جانب هنرمندان این عرصه، به آن توجه شود. چرا که ادوات مهم‌تر از تحریر است. استفاده از تحریر هنگامی لذت‌بخش و صحیح است که در کنار ادوات موسیقی قرار گیرد. شهبازیان همچنین در پایان برنامه، ضمن تبریک به همه شرکت‌کنندگان در این برنامه برای محک‌توانایی‌های خود گفت: برای کسب مهارت در کار، به‌ویژه موسیقی و آواز باید ساعت‌ها تمرین مداوم داشت. زنده‌یاد محمدرضا لطفی زمانی که در رادیو مشغول به کار بود، می‌گفت که برای دست‌یابی به مهارت و توانایی لازم در کار خود، روزانه ۱۷ ساعت در زیرزمین خانه اش تمرین می‌کند. البته بخشی از موسیقی به استعداد و ذوق و قریحه هنرمند مربوط است، اما این استعداد ذاتی نعمتی خدادادی است که باید با تلاش هنرمند پخته و پرداخته شود. برای دست‌یابی به قابلیت‌های کافی در موسیقی باید آن قدر تمرین کرد تا ملکه ذهن شود.

در این برنامه که در تالار «سوره» حوزه هنری برگزار شد، سید محمود موسوی به همراه مهدی احمد پور (نوازنده تار) به اجرای آوازی در مایه افشاری با استفاده از غزل‌های حافظ پرداخت. همچنین در ادامه برنامه مهرداد جعفری با نوازندگی مصطفی فارغی (نوازنده سنتور) به اجرای آوازی در مایه بیات زند با استفاده از شعرهای علی نصری

پرویز به همراه داریوش قانع (نوازنده نی) و بهمن آعلی (نوازنده تار) یکی دیگر از گروه‌های شرکت‌کننده در مراسم شب گذشته بودند که به اجرای آوازی در مایه مخالف سه‌گاه با استفاده از غزل‌های شهریار پرداختند.



گزارش

-
-
-

گزارشی از جلسهٔ شصتیم نقد و پژوهش شعر در حوزه هنری مشهد



حالا اگر به این کتاب برگردیم، این کار‌های زبانی که دوستان هم اشاره کردند، در این کتاب با مناتات انجام گرفته است و این باعث می‌شود که یک ارتباطی بین شاعر و مخاطب برقرار شود. از نکات خوب دیگری که در کار این شاعر وجود دارد، این است که نمی‌توانیم مختصات سبکی را به طور بارز ببینیم. به قول مایاکوفسکی، تکنیکی در شعر بهتر است که خودش را نشان ندهد.

■ **منتقد پنجم، استاد محمد باقر کلاهی اهری** بحث شعر مدرن در ایران بحث دور و درازی است. از دورهٔ مشروطه نوعی مردم‌گرایی افراطی شروع شده بود که شعر را به حد اطلاعیه و مقاله رسانده بود. این موضوع کم کم به افراط کشیده شد و مواردی هم مثل ایجاد ژانر قطعه ادبی به این بحث دامن می‌زد. ولی بعضی از نخبگان می‌دانستند که در دل این حرکت پوپولیستی یک بیماری به وجود می‌آید. این بود که دورهٔ ملی شدن نفت، از دو جهت این معناگرایی شروع شد، یکی از نظر سیاسی که حکومت نمی‌خواست در شعر هاپایا و واضی باشد. از طرفی هم کسانی بودند که به طبقه‌ای از جامعه اختصاص داشتند که نمی‌خواستند شعر شان به سطح مردم پایین بیاید.

در این میان کسانی بودند که سعی کردند از زبان محاوره هم بهره بگیرند مثل صادق هدایت و دهخدا (در امثال و حکم و چرند و پرند). شعر ما به سبک شعر فارسی است. سعی می‌کند در یک فضای بومی ورود کند. ورود شاعر به این نیای بومی

موسیقی

-
-
-

منتقد قرار گیرد. وی ادامه داد: این اثر مشتمل بر ۱۲ قطعه است که آهنگ سازی و تنظیم آن بر عهده ترکیبی از هنرمندان باتجربه از جمله علیرضا افکاری و هنرمندان جوان و مستعدی از جمله امیرمیلا نیکزاد، علی دینه، حمید اکبرزاده، بابک مافی و سعید پناهی است که بنده هم در یکی دو قطعه به عنوان آهنگ ساز حضور داشتم. در این آلبوم استاد محمد علی بهمنی، احمد امیر خلیلی، امیر ارچینی، اسحاق انور، امید صیاب‌نو، عباس محمدی، علی صفری و نیما تقوی به عنوان شاعر و ترانه‌سر حضور دارند.

سیمین دخت‌وحیدی در نشست

ادبیات وهنر

سیمین دخت‌وحیدی

یادداشت

-
-
-

دکتر فرهنگ مهروش

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی گرگان

سیاست بهینه در برخورد با واژه های غیر فارسی چیست؟

این که ما بیابیم و به جای واژه های غیر فارسی که در فارسی به کار می رود، معادل معرفی کنیم، گاه کاری در خور و ارزشمند، گاه بی فایده و گاه خطاست. همه می دانیم که بنا را بر این گذاشتن که هر واژه غیر فارسی را بزداییم، غلط است.

اگر زبان انگلیسی را به مثابه زبانی زایا و پویا در نظر بگیریم که در دوران معاصر به زبان علم در سراسر جهان تبدیل شده است، می توانیم در آن به وضوح ببینیم که ارتباطش با زبان های لاتین، یونانی، فرانسوی، آلمانی و عربی چه اندازه بر پویایی این زبان اثر گذاشته است. بر همین قیاس، جایگاه زبان عربی نیز در فارسی شبیه زبان لاتین برای انگلیسی است؛ به این معنا که منبعی برای اخذ ریشه ها و ساخت بسیاری از کلمات است (مثلا واژه های متداول از جمله تلگراف و تلفن، یا اصطلاحاتی علمی مثل ترمنوس اد کوتم، هومو ساپینس، فیلسوفی و ...). از آن سو، اگر بنای ما بر این باشد که همه واژه های بیگانه را به فارسی راه دهیم، بعد از مدت کوتاهی دیگر آن قدر واژه های جدید زیاد خواهند شد که ارتباط ما با میراث کهن اجدادی مان منقطع خواهد شد.

بر این پایه، راه صحیح شاید آن باشد که واژه های غیر فارسی را که نسبت به آن ها حس زبانی داریم، به درسمیت بشناسیم و در تغییر آن ها نگوئیم. از دیگر سو، چند کار مهم دیگر هم هست که اگر به انجام نرسند، واژه سازی ها محدود به کوشش های فرهنگستان خواهد شد؛ کوشش هایی که نتیجه بخش نخواهد بود و مستلزم کلی هزینه برای هر یک واژه است.

بی تردید واژه را باید اهالی زبان بسازند؛ نه در فرهنگستان ها. اصلا زبایی زبان به همین است که وقتی افرادی بر پایه قواعد زبان واژه ای را به کار برند، بقیه حتی اگر آن را نشنیده باشند، معنایش را بفهمند. مثلا من و شما حتی اگر پیش از این هرگز واژه «خوددرومانی» را شنیده باشیم، همین که بشنومیم از آن معنای کاملی در خواهیم یافت. این یعنی واژه با بخش زبانی زبان ما ساخته شده، و بر «بن» ها و آوند های نهاده شده است که تک تک ما معنایش را می دانیم.

با این مقدمه، می خواهم بگویم که راه حل مشکل ما، واژه سازی فرهنگستان نیست. فرهنگستانی ها باید «بن» های فارسی را احیا کنند و از هیهنگنان، شاعران و هنرمندان و دانشمندان بخواهند که این ها را در نوشتار های خود به تدریج به کار گیرند. به خصوص باید «بن» هایی را ترویج دهند که کوتاه و یکی دو هجایی هستند؛ چون زبان فارسی ترکیبی است و «بن» های طولانی برای ساخت واژه های مرکب مناسب نیست هر وقت این «بن» ها در زبان فارسی احیا شد، مردم آنها را به طور طبیعی در ساخت واژه های بسیار به کار خواهند گرفت.

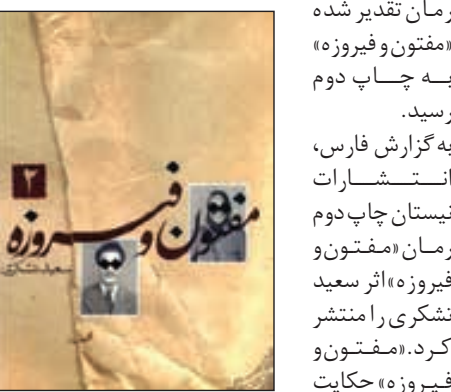
کار مهم دیگر، چنان که واضح شد، همین است که پیشوند ها و میانوندها و پسوندهای منسوخ فارسی را احیا کنند و افزون بر این، به تناسب نیاز، بر پایه واژه های پر کاربرد دوران معاصر، آوندهای جدیدی را که پیش از این نداشتند، بسازند.

آموزش این آوندها به عموم سبب خواهد شد آن ها بتوانند به تناسب نیاز خود، به کارشان گیرند و این گونه زبان زیاتر خواهد شد. زبایی زبان به این است که افراد بتوانند معنای واژه هایی را دریابند که طبق قواعد صرف، معنای اجزایش را می دانند؛ حتی اگر هرگز به فرهنگ لغت ها مراجعه نکنند و از کسی درباره آن واژه توضیح نخواهند.

پیک خبر

-
-
-

چاپ دوم برای «مفتون و فیروزه» سعید تشکری



رمان تقدیر شده «مفتون و فیروزه» به چاپ دوم رسید.

به گزارش فارس، انتشارات نیستان چاپ دوم رمان «مفتون و فیروزه» اثر سعید تشکری را منتشر کرد. «مفتون و فیروزه» حکایت دلدادگی شاگرد

و استاد است. شاگردی که تا پای جان پای استادش می‌افزاید و حاضر است برای زنده ماندن او جانش را فدا کند. شاگردی مفتون و استادی فیروزه، شاگردی مفتون و استادی داریوش دانشگر، شاگردی بی‌بی صدیقه و مش ابوالقاسم و استادی آقا سیدعلی خامنه‌ای و شاگردی آقا سیدعلی و استادی آقا روح...‌

«سعید تشکری» در این رمان خواننده خود را به قوجان و مشهد در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی می‌برد. سال‌هایی که مردم دست به دست یکدیگر دادند تا بتوانند جرثومه ظلم و فساد پهلوی را از میان بردارند. مردمی که در جست وجوی هوای تازه بودند و برای رسیدن به این هوای تازه داغ و درفش پهلوی نهر اسپندند و در برابر تانک و توپ نیز ایستادگی کردند. در این رمان خواننده در کنار این مبارزات و نقش‌واثر گذاری آن نیز آشنایی‌شود. رهبری که آن‌هاست و همین همدلی مایه دلگرمی مبارزان می‌شود و حاضر می‌شوند به دل‌سایه‌ی بی‌زند و چادر سیاه شب ظلمانی پهلوی را کنار بزنند تا روز روشن انقلاب خمینی (ره) جهان را روشن کند.

رمان ۱۱۰۰ صفحه‌ای مفتون و فیروزه که در جایزه قلم زرین نیز برگزیده شد، با قیمت ۸۰هزار تومان روانه بازار کتاب شده است.